

بررسی گفتمان های سیاسی عهد ناصری با رویکرد به مطبوعات فارسی برون مرزی (روزنامه اختر)

دکتر مهرناز بهروزی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

فاطمه صحرانورد (نویسنده مسئول)

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

چکیده

سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه را می توان نقطه عطف آشنایی ایرانیان با مفاهیم و ارزشهای غربی و اقتباس از تجدد دانست. در این دوره از یکسو استبداد سنتی گفتمان سیاسی مسلط بر جامعه است، از سوی دیگر به واسطه مراودات ایرانیان با غرب، و ورود مظاهر مدرنیته، گروه های صاحب اندیشه ای (منورالفکرها) پدید آمدند که دست به انتشار روزنامه های فارسی زبان در خارج از کشور زدند. بسیاری از این روشنفکران به دلیل فضای استبدادی و بسته داخلی که در قالب سانسور نمایان بود، مجبور به مهاجرت و تبعید از میهن شدند و برای مبارزه باحکومت استبدادی ناصری مطبوعات برون مرزی را تشکیل داده و از این طریق به آگاه سازی مردم با مفاهیم و اندیشه های جدید برآمدند که سرانجام به چالش میان گفتمان های سیاسی جدید با گفتمان استبدادی منتهی شد. این مطبوعات گفتمان های جدید سیاسی را با محوریت اندیشه ترقی و نوسازی، مشروطه خواهی، مخالفت با استبداد و حاکمیت قانون اشاعه می دهند و باعث تحول ادبیات سیاسی و فرهنگ سیاسی در جامعه ایران آن دوره می گردند. بنابراین شناخت گفتمان های سیاسی در دوره ناصری بدون بررسی سیاست ها، اهداف، آرا و افکار روشنفکران و مهم تر از آن مطبوعات برون مرزی دوره ناصری (روزنامه اختر)، ناقص و بی سرانجام است.

این مقاله در پی بررسی گفتمان های سیاسی جدیدی که در مطبوعات اپوزیسیون برون مرزی نمود یافته، همچنین درصدد پاسخ به این سوال است که مطبوعات یاد شده با جهت گیری های ظاهراً متفاوت، در شکل گیری گفتمان های سیاسی جدید به چه میزان تاثیر گذار بودند؟

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه ای، و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی: گفتمان سیاسی عهد ناصری، روشنفکران، مشروطه خواهی، تجدد، مطبوعات برون مرزی، روزنامه اختر

مقدمه

تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه شاهد تغییرات و تحولات وسیعی در ابعاد مختلف بود. یکی از مشخصات برجسته این دوران، خودآگاهی گروهی از ایرانیان و آشنایی آنان با آداب حکومت‌های غرب و تمدن غربی می باشد. آگاهی از تحولات و پیشرفت اروپا، مقایسه با غرب و مشاهده معضلات ایران در آن عهد موجب بروز گفتمان انتقادی در جامعه ایران شد. بنابراین ایران عصر ناصری تحت تاثیر انقلابها، جنبش ها و نهضت های سیاسی و اجتماعی در بسیاری از نقاط جهان و همچنین گسترش گفتمان های جدید از سوی روشنفکران در عرصه های مختلف قرار گرفت. در نتیجه شکافی در نظام سیاسی سنتی بروز کرد که باعث شد فضای سیاسی و اجتماعی ایران دچار تحول شود. ارزیابی و شناخت اندیشه های سیاسی و اجتماعی گروهی از روشنفکران که مبدع مطبوعات خارج از کشور در عصر ناصری شدند در رشد و پرورش گفتمان های سیاسی در دوره ناصری بسیار با اهمیت است. آنها اندیشه ها و نظریات سیاسی، اجتماعی غرب را در ایران وارد کرده و خواستار جاری شدن اندیشه های قانون خواهی در جامعه بودند و کم کم این روشنفکران و اندیشمندان توانستند با ارائه مباحث نو به عرصه سیاسی راه پیدا کنند..

بنابراین نمی توان از نقش مطبوعات در تشویق افکار عمومی به قانون خواهی و مبارزه با استبداد حاکم بر کشور چشم پوشی کرد به ویژه مطبوعات فارسی زبان خارج از کشور در (اروپا و عثمانی و هند) از جمله رسانه های تاثیر گذار در روند تحولات سیاسی، اجتماعی ایران عصر ناصری بودند. گردانندگان مطبوعات یادشده با توجه به روند اختناق و شرایط استبدادی حاکم بر جامعه حکومت داخلی را یکی از موانع اصلی عدم پیشرفت کشور می دیدند، از این رو با انتشار مطبوعات فارسی و ارسال آن به داخل کشور به مخالفت با حاکمان قاجار و نیز بیدار کردن توده مردم علیه سیاست های آنها پرداختند. بنابراین پرسش محوری در این مقاله آن است که آیا مطبوعات برون مرزی در شکل گیری گفتمان های سیاسی جدید در فضای سیاسی ایران آن روز موثر بودند؟

به نظر می رسد مطبوعات ایرانی برون مرزی با تاثیرپذیری از اندیشه های جدید غرب سعی کردند که گفتمان سیاسی استبدادی ایران عصر ناصری را به چالش بکشند و تنها نسخه علاج و خروج جامعه ایران از بحران های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در گفتمان سیاسی مدرن دانستند و در این راستا بود که آنان در راه گسترش اندیشه قانون خواهی و تجدد در ایران همت گماشتند.

تعریف واژه گفتمان

واژه گفتمان از مفاهیم مهم و کاربردی است که سابقه آن در برخی منابع به قرن چهاردهم میلادی می رسد. واژه گفتمان در سال ۱۹۵۰ میلادی توسط «زلیک هریس» مطرح شد. ریشه واژه Discourse را می توان در فعل یونانی *discurrer* به معنی حرکت سریع در جهات مختلفه یافت (عضدانلو، ۱۳۹۱، ۱۶). این مفهوم در معادل فارسی آن از (ستاک ماضی گفتن+ مان، پسوند اسم ساز از ریشه فعل چنانچه در ساختمان، زایمان، چایمان و جز آنها) برای اولین بار داریوش آشوری در یکی از مقاله های خود به کار برده است (آشوری، ۱۳۶۸، ۴۶۰-۴۵۴). از جمله اندیشمندانی که به این مفهوم هویت تازه بخشید میشل فوکو است. فوکو گفتمان را زمینه ای مفهومی می داند که در آن دانش تولید می شود اما این دانش و فرضیات قواعد و برنامه کار آن همگی به گونه ای اجتماعی و سیاسی پرداخته می شود به عبارت دیگر بدنه های دانش ساختارهای مستقل فکری نیستند بلکه جایگاههای قدرت نیز هستند جایگاههایی که در آن قدرت و دانش آزادانه با هم در می آمیزند (بروجردی، ۱۳۸۴، ۱۱).

گفتمان از نظر بسیاری از اندیشمندان این حوزه بیانگر ویژگی ها و خصوصیات تاریخی چیزهای گفته شده و چیزهایی که ناگفته باقی مانده، است. گفتمان یعنی چه کسی و در چه زمانی و با چه آمریتی می تواند صحبت کند. در واقع گفتمان حرف و سخن غالب در هر عصر می باشد. معمولاً گفتمان غالب متعلق به یک قدرت سیاسی می باشد. با توجه به پیچیدگی و گستردگی معانی، گفتمان را عبارت از یک نظام فکری مسلط در یک دوره یا نظامی که شرایط زمانی و مکانی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی را به صورت پنهان با خود در بردارد دانست.

گفتمان سیاسی

گفتمان سیاسی ریشه در فرهنگ سیاسی جامعه دارد و فرهنگ سیاسی نیز محصول تاریخ جمعی یک نظام سیاسی است و فرهنگ و تاریخ زندگی افرادی است که در آن نظام را می‌سازد. فرهنگ سیاسی بر این فرض مبتنی است که نگرش‌ها، احساسات و ادراکات حاکمی و حاکم بر رفتار سیاسی در هر جامعه انبوهی از امور صرفاً تصادفی نیستند بلکه نمایانگر الگوهای سازگاری هستند که با هم تناسب دارند و متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند و به رغم امکان بسیار زیاد برای پراکندگی در جهت گیری‌های سیاسی فرهنگ سیاسی محدود و متمایزی در هر جامعه وجود دارد که به فرایند سیاسی معنا بخشیده آن را شکل می‌دهد (تاجیک، ۱۳۷۷، ۲۹۲-۲۹۱). بنابراین زندگی و کنش‌های سیاسی در بستر هر جامعه در چارچوبه گفتمان سیاسی رایج همان جامعه تعیین یافته و هرگفتمان بیانگر نوع خاصی از باورها و زندگی در یک جامعه است.

گفتمان‌های سیاسی عصر ناصری

باید اذعان نمود که گفتمان مسلط جامعه ایران پدرسالاری قبیله‌ای یا پاتریمونالیسم سنتی می‌باشد. این گفتمان مبتنی بر اندیشه اقتدار و مرکزیت شخص شاه بود. سلطنت مطلقه استبدادی و مقام شاه به وسیله فره ایزدی قدسیت داشت. مهمترین مشخصه در گفتمان استبدادی نظریه نصب الهی پادشاه است بر این اساس پادشاه منصوب خداوند است و این حق را به ارث می‌برد. پادشاه محدود به هیچ قانونی نبود و نمی‌توانست حاکمیت خویش را واگذار یا محدود کند (همایون کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۵۳).

بنابراین در سیستم حکومتی قاجارها به ویژه دوره ناصری ساختار یکجانبه قدرت باعث شده بود که همه امور در دست شاه باشد کلام او قانون، شاه سایه خدا بر زمین شناخته می‌شد و منبع اصلی قدرت و ثروت بود و هرگونه تخطی از فرمان شاه سرپیچی از قانون تلقی می‌گردید و به شدت کیفر داده می‌شد (پولاک، ۱۳۶۱، ۲۹۳). بنابراین در چنین حاکمیتی مردم دیگر جایگاهی نداشتند. هنگامی که شاه فرامینی صادر می‌کرد وزرا آنها را به حکام ابلاغ می‌کردند. سرجان ملکم در مورد جایگاه شاه می‌گوید: «پادشاه ایران از جمیع سلاطین عالم بر رعایا مطلقه العنان تر و مقتدرتر است قاعده ایست در مردم این ملک که پادشاه هرچه بخواهد می‌تواند بکند بحثی

نیست (سرجان ملک، بی تا، ۳۹۶) و نیز اعتقاد غالب حکما و اندیشه گران چنین بود که حالت دولت حاصل پادشاه است علی الخصوص در دول مستقل (ملکم خان، بی تا، ۸۶).

اما شرایطی به وجود آمد که باعث شد بسیاری از مفاهیم و آرا جدید سیاسی اروپای مدرن وارد کشور گردید و نخبگان و تحصیلکردگان اغلب فرنگ دیده مروج این ارزشهای جدید بودند و می خواستند این آرا را به فرهنگ و سیاست ایرانی منتقل کنند. این سوال در ذهن آنها شکل گرفت که چرا اروپا پیشرفت کرده و ما ایرانیان عقب مانده ایم؟ چرا در جامعه ما آزادی، دموکراسی، پارلمان و راه آهن و تلگراف نیست؟ کم کم بر اثر ارتباط ایرانیان با دنیای خارج از طریق اعزام دانشجوی، ایجاد مدارس جدید و... فرهنگ سیاسی غرب اشاعه پیدا کرد و توانست فرهنگ سیاسی ایران را تحت تاثیر قرار دهد و آشنایی نخبگان تحصیلکرده باعث به وجود آمدن قشر روشنفکر در ایران شد. متفکران ایرانی از ایده های عصر روشنگری در اروپا استقبال نمودند آنها متأثر از اندیشه های متفکران انگلیسی و نوع نظام سیاسی آن کشور و همچنین به شدت تحت تاثیر انقلاب فرانسه بودند. بنابراین آنها مروجان گفتمان های جدید و تجددخواهی و تنظیمات در ایران شدند و برای نخستین بار مسائلی از جمله جدایی دولت از مذهب و لزوم شانزمان جامعه برای رسیدن به پروگرم مطرح گردید (بهنام، ۱۳۷۵، ۳۵).

اوج این تحول در دوران سلطنت طولانی ناصرالدین شاه دیده می شود، مفاهیم و آرا جدید اروپای مدرن وارد کشور گردید و باعث شکل گیری گفتمان ها و فرهنگ سیاسی جدید در کشور گردید هرچند که تمایلات استبدادطلبانه ناصرالدین شاه گفتمان غالب آن دوره را گفتمان استبدادی ساخته بود اما سفرهای فرنگ، نفوذ حکام اصلاح طلب در پادشاه باعث شده بود ناصرالدین در مقاطعی از دوران سلطنتش تمایلات اصلاح طلبانه داشته باشد. این گفتمان ها عبارتند از:

۱- گفتمان دولت آمرانه منور یا گفتمان تنظیمات (با الگوگیری از بیسمارک)

در این گفتمان دولت نیازمند وجود شخصی است که حاکمیت به طور کامل در وجود او تجلی یابد. این گفتمان با گفتمان استبدادی فردی فرق دارد در این گفتمان دولت حافظ نظم و قانون و

عدالت است در واقع استبداد خوب، ترقی طلب و تمدن دوست مانند حکمرانی پترکیبر و بیسمارک در آلمان

از ویژگی های این گفتمان اجرای نوسازی مالی، دیوانی، قضایی و صوری بودن پارلمان، ایجاد هویت سازی و ناسیونالیست در ساکنان سرزمین می باشد در واقع شکلی از دیکتاتوری ایده آل با اصلاحات از بالا (پوچی، ۱۳۷۷، ۱۳۰-۱۰۹).

در ایران به دلیل نوع نظام سیاسی امکان انقلاب از پایین (توده وار) میسر نبود از این رو تنها راه حل تغییر وضع موجود اصلاحات از بالا بود بسیاری از حکام اصلاح طلب با استناد به اقدامات شخصیت هایی مانند پترکیبر، بیسمارک صدراعظم آلمان تلاش می کردند تا پادشاه را به تقلید از آنان سوق دهند. زیرا پیش از اصلاحات کشورهای یاد شده شباهت زیادی به وضع ایران داشت که بدون وقوع انقلاب از پایین و تنها از طریق اصلاحات از بالا اوضاع کشورهای مورد نظر به کلی دگرگون شده بود (صالحی، ۱۳۷۷، ۶۹). مطابق الگوی بیسمارکی لازمه مدرن شدن، وجود دولت مقتدر و ایجاد تنظیمات در جامعه بود که در اندیشه سیاسی نخبگان درون نظام (امیرکیبر، سپهسالار) تجلی یافت. همچنین به دلیل رویکرد گاه به گاهی ناصرالدین شاه به ایجاد تنظیمات و تجدد در جامعه نیز او را می توان در این گروه از نخبگان اصلاح طلب جای داد، البته این تقسیم بندی به دلیل مواضع دوگانه شاه در برابر تجدد در بین صاحب نظران رشته تاریخ مورد بحث است. اما به نظر نگارنده ناصرالدین شاه با الگوبرداری از پادشاهان مقتدر فرنگ مانند ناپلئون سوم، الکساندر دوم و صدراعظم آلمان (بیسمارک) به مسئله تجدد می نگریست و از حامیان حکومت های مطلقه متجدد و مترقی فرنگی بود این موضوع در سفرهایش به فرنگ کاملاً مشهود است.

۲- گفتمان جمهوری (با الگوگیری از انقلاب فرانسه)

انقلاب ۱۷۸۹ میلادی فرانسه و تشکیل جمهوری فرانسه بعد از آن بهترین نمونه و الگو این گفتمان است. انقلاب فرانسه شاخص ترین تغییر برداشت مردم از حکومت و رابطه آن با مردم بود و آغاز دوران دموکراتیک و پایان عصر استبداد. گفتمان جمهوری خواهی عبارت است از پیوند دادن ایده یا پروژه یک حکومت میانه رو، محدود، ناخودکامه، با حاکمیت ملی یا مردمی در جامعه

ای بدون شاه یا اشرافیت. این تعریف در عمل بیشتر از انقلاب فرانسه ناشی شد (فونتانا، ۱۳۸۰، ۲۵۳). گفتمان جمهوری با الگوی انقلاب فرانسه این مفهوم را استوار ساخت که قدرت سیاسی نه بر نیروهای ماورا طبیعی و اراده خداوندی بلکه بر توافق مردم قرار دارد. پس حکومت چیزی جز توافق مردم نیست از اینجا بود که مفهوم دموکراسی به معنای حکومت مردم بر مردم به وجود آمد. منبع جمهوری در ایران انقلاب کبیر فرانسه بود. مسئله جمهوری خواهی در زمان ناصرالدین شاه در کنار سلطنت مطلقه ناصری باعث ترس گسترده سلطنت از این موضوع شده بود. جمهوری خواهی در زمان او مترادف با بی دینی و بایبگری شده بود و به شدت با افرادی که این مسائل را مطرح می کردند مقابله شد.

۳- گفتمان مشروطه (با الگوگیری از مشروطه انگلیس)

لغت انگلیسی Constitutionalism با حکومتی که بر اساس یک قانون اساسی و سیستم پارلمانی تشکیل یافته است. سلطنت یا دارای اساسی است که توسط ملت تاسیس شده که در این صورت مشروطه است یا کنستی توسیونل و یا اینکه فاقد چنین اساسی است که استبدادی است (میرموسوی، ۱۳۸۴، ۲۱۴)

عناصر محوری در گفتمان مشروطه عبارتند از: سلطنت، مجلس شورا، قانون، تفکیک قوا و جامعه مدنی. در گفتمان مشروطه تفکیک قوا در عین برتری نهاد سلطنت پذیرفته شد. (پادشاه سلطنت کند نه حکومت). بهترین الگو از گفتمان مشروطه را می توان در انگلستان یافت. فرمان بزرگ «ماگناکارتا» در سال ۱۲۱۵ میلادی در ۶۲ اصل تصویب شد. این فرمان مهمترین سند و پایه آزادی مردم انگلستان بود، در این فرمان تایید می کند که پادشاه باید حقوق و آزادی های مکتسبه ملت خود را محترم شمارد. در واقع فرمان کبیر این اصل را که پادشاهان مستبد باید در مقابل حکومت قانون سرتعظیم فرود آوردند (دهقان، ۱۳۴۵، ۲۰۵)

در متن تحولات سیاسی، اجتماعی ایران قرن نوزدهم کم کم ناتوانی حکومت قاجار در برابر جوامع و نظام های سیاسی غربی آشکار شد. در واقع گفتمان غالب استبدادی و بی قانون قاجارها باعث شد «حکومت قانون» تنها تجویز پیشرفت کشور دانسته شود.

۴-گفتمان دولت اسلام یا خلافت

یکی دیگر از گفتمان های مهم در قرن نوزدهم گفتمان دولت اسلام یا خلافت است. شرایط سیاسی و اجتماعی جهان اسلام، اشغال کشورهای مسلمان به دست قدرتهای استعماری و ... باعث طرح اندیشه اتحاد اسلام گردید و این تحلیل که چرا مسلمانان دچار این همه ضعف و عقب ماندگی شدند؟ توجه بسیاری از روشنفکران اسلامی را جلب نمود سیدجمال الدین اسدآبادی از اولین اندیشمندان جهان اسلام است که درباره چگونگی مقابله با تهاجمات استعماری جهان غرب راه حل هایی ارائه داد. به اعتقاد او اختلاف کلمه در امت پدید آمده مقام خلافت به درجه سلطنت تنزل یافت و مردمان به فرقه هایی تقسیم شدند که هر فرقه ای یا پیرو شاهی گردید یا مذهبی (عروه الوثقی، بی تا، ۱۱۸-۱۲۰). در واقع دغدغه اصلی گفتمان خلافت، ترقی مسلمانان بود و تنها راه نجات مسلمانان بازگشت آنان به دین و مسلمانان نخستین اسلام بود.

در این گفتمان مقابله با استعمارگران بسیار مهم بود زیرا استعمار و تهاجم غرب را بزرگترین مشکل و مهمترین مانع بر سرراه مسلمانان می دانستند. اساس گفتمان سیدجمال و یارانش سازش دادن اسلام و جور کردن آن با مقتضیات جدید بود. این گفتمان معتقد است تمام ترقیات را می توان با اسلام سازش داد. در این گفتمان همواره شعار بازگشت به قرآن و حاکمیت قرآن بر مناسبات اجتماعی مطرح شده و بر مبارزه، انقلاب، وحدت، امت و دیانت استوار بود.

مطبوعات دوره ناصری

پس از بررسی و شناسایی گفتمان های سیاسی این دوره می توان اذعان نمود آنچه موجب آشنایی بیشتر توده مردم با گفتمان های سیاسی جدید شد مطبوعات بود. مطبوعات توزیع کننده افکار روشنفکران بودند در نتیجه این نشریات که عمدتاً از سوی همین گروه روشنفکری در خارج از کشور (استانبول، کلکته، لندن، ...) به چاپ می رسید این امکان را فراهم ساخت که طبقات متوسط و پایین با مفاهیم جدید سیاسی آشنا شوند و بتوانند با استبداد و عقب ماندگی مبارزه کنند.

اما در این دوره به خصوص اندیشه های نوین و اذهان آگاه باعث دردسر حکومت خودکامه ناصری شد و دولت مجبور به کنترل نظام ارتباطی شد و در سال ۱۲۸۰ هـ ق امور مربوط به انتشار

روزنامه رسمی و چاپ و تکثیر کتاب را که در چارچوب مسئولیتهای وزارت نوبنیاد علوم پراکنده بود در اداره مطبوعات دولتی گردآورد و اعتمادالسلطنه به ریاست آن رسید (صدرهاشمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ۲). ناصرالدین شاه در فرمانی ضمن ابلاغ سمت اعتمادالسلطنه متذکر ساخت که همه چاپخانه ها و روزنامه های ایران باید زیر نظارت این اداره درآید تا از انتشار جزوه ها و کتابها و سایر مواد چاپی که برخلاف آداب ملی و علیه دولت است جداً خودداری کند (کهن، ۱۳۶۰، ۵۰). در واقع این فرمان خبر از سانسور رسمی می داد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ج ۱، ۱۶۲). به همین دلیل روشنفکران در خارج از کشور به نشر عقاید جدید سیاسی همت گماشتند. بنابراین محدود بودن مطبوعات به روزنامه های رسمی دولتی و نبود امکان نشر آزاد افکار و اندیشه های سیاسی در دوره ناصری باعث به وجود آمدن پدیده مطبوعات برون مرزی گردید.

از جمله مطبوعات منتشر شده در خارج از کشور می توان به روزنامه اختر، اشاره کرد که با توجه به ماهیت مترقیانه و نوگرایانه این روزنامه، می توان گفتمان های سیاسی جدید را در این روزنامه یافت و نشان داده شود که این مطبوعات تاثیر بسیاری در آشنا کردن مردم با مفاهیم جدید و حقوق سیاسی اجتماعی داشتند.

روزنامه اختر

آغازگر مطبوعات برون مرزی آزاد روزنامه اختر (Lakhtar) است که نخستین شماره آن در ۱۶ ذی حجه ۱۲۹۲ هـ ق در استانبول منتشر شد. روزنامه اختر که به یاری سفیر ایران در عثمانی (میرزا محسن خان معین الملک) و به مدیریت آقامحمد طاهر تبریزی و نویسندگی میرزا نجفعلی خوبی ایجاد شد، نشریه ای بود سودمند و از سیاست و پولتیک و از تجارت و علم و ادب و دیگر منافع عمومی سخن می گفت. روزنامه اختر به زودی مورد استقبال اندیشمندان قرار گرفت و در ایران و قفقاز و عثمانی و هندوستان صاحب شهرت شد. حتی برخی از افراد عامی که روزنامه خواندن را گناه می دانستند ترقی خواهان را در ایران و قفقاز «اختری مذهب» می نامیدند (پروین، ۱۳۷۷، ج ۱، ۲۵۵). روزنامه اختر توانست تاثیر بسیاری بر افکار عمومی بگذارد و با انتشار مقالات روشنگرانه اش برای دستیابی به نظام سیاسی مشروطه، ایجاد قانون اساسی، آزادی و آزادی افکار

و مبارزه با استبداد و لزوم ایجاد قانون برای همه و ایجاد مساوات و برابری و از همه مهمتر با سخن گفتن از گفتمان های نو و روشنفکرانه اش در شرایط استبدادی آن زمان گامی در جهت آگاهی مردم بردارد. به نوشته روزنامه قانون که ۱۵ سال پس از اختر به انتشار آغازید روزنامه اختر به دولت و ملت ایران بیشتر خدمت می کند تا هفتاد دو نفر وزیر اعظم (قانون، ۱۳۰۷، ش ۳، ۳). روزنامه اختر هربار با قلم موشکافانه خود به نقد و بررسی کارگزاران می پردازد بنابراین شاه در ابتدا فرمان ممنوعیت این جریده را صادر می کند: «جناب آقای امین السلطان، ان شاءالله احوال شما خوب است..... تازه باشد به عرض برسانید. این روزنامه اختر فضولی های زیادی می کند نسخه آنرا دیدم حال می دهم بیاورند آرتیکل های بدی نوشته شده است. ملاحظه بکنید این روزنامه این دفعه باید جداً غدغن سخت بشود که پستخانه قبول نکرده و نیاوردند به ایران حتی به چاپارهای انگلیس و روس و فرانسه هم غدغن (قدغن) بکنید که منبع روزنامه اختر نیاورند به ایران به امین الدوله دستخط نوشتم شما هم تاکید کنید که از این تاریخ دیگر روزنامه نیاورده منتشر نکنند، به سفرا هم خودتان غدغن (قدغن) بکنید که چاپارهای آنها روزنامه اختر را قبول نکرده نیاورند البته.» (قاسمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ۵۳۶). یحیی دولت آبادی نیز در این باره می نویسد: «این جریده محل توجه گشته از دست ملت و ناخشنودان از اوضاع حکومت مقاله ها می گیرد و از افکار باخبران از ایرانیان مقیم ممالک خارجه استمداد می کند نگارشات جرائد اجنبی را که بر ضد ایران است ترجمه و طبع و نشر می نماید مکرر از طرف دولت ورود اختر به خاک ایران ممنوع شده ولی استقامت نموده...» (دولت آبادی، ۱۳۷۱، ج ۱، ۱۰۴). از طرفی روزنامه اختر تحت نظارت و مساعدت دو دولت ایران و عثمانی نیز بود و این دولتین در تعیین خط مشی آن دخالت داشته اند به گونه ای که اگر روزنامه گاهی مجبور به تعطیلی می شد هر دو دولت تمایل به انتشار مجدد آن را داشتند به طور مثال روزنامه اختر در زمان جنبش تحریم تنباکو نسبت به حمایت از آن پرداخته و حتی با نوشتن مقالاتی روشنگر و مصاحبه با تالбот و افشای مفاد امتیاز تنباکو در تشدید اعتراضات توده ای سهم غیر قابل انکاری داشت. و این موضوع منجر به برکناری معین الملک از سفارت ایران در عثمانی و ممانعت از ورود اختر به ایران و توقیف ۷ ماهه آن منجر شد. اما مدیر

اختر پس از تحمل ضررهای ناشی از توقیف آن و مذاکره و توافق با ناظم الدوله دیبا سفیر جدید ایران در عثمانی و تصفیه هیأت تحریریه روزنامه از وجود عناصر مخالف رژیم ایران توانست از روزنامه اش سلب توقیف کند و در ۱۱ صفر سال ۱۳۰۹ هـ ق پس از ۷ ماه تعطیلی در ش ۱ آن نوشت: «اختر به سبب حدوث پاره موانع ناگزیر به تعطیل گردید سبب عمده این تعطیلی اختیاری نبود مگر به اولیای دولت متبوعه که امر را در لباس دیگر به نظر ایشان جلوه داده بودند امروزه به حمد الله از همت بلند جناب مستطاب اجل اکرم آقای ناظم الدوله سفیر کبیر دولت علیه ایران که مراتب حق بینی و کنه شکافی و درستکاری ایشان مصدق و مسلم عمومی است آن موانع از میان برخاسته به اذن و اجازه اولیای دولت این روزنامه که کمین خادم دولت و ملت است از قید ممنوعیت دخول به ممالک محروسه ایران آزاد گشته دوباره به قرار پیش کمر خدمت را بر میان جان بست» (اختر، ۱۳۰۹ س ۱۸، ش ۱، ۵۲۳۹).

اختر از سال ۱۳۰۹ هـ ق بعد از تعطیلی اش به دلیل حمایت از رژی، لحن نوشته هایش تغییر می کند حتی نسبت به امتیاز تناکو و مردمی که برای لغو آن اقدام می کردند بی تفاوت گشته و اقدام مردم وطن پرست را که برای جلوگیری از نفوذ اجانب مبارزه می کردند های و هوی بی معنی دانسته و حتی بعداً شرح مفصلی در محاسن و منافع رژی به عنوان فوق العاده روزنامه اختر نشر داده و از عقل اولیای دولت علیه تعریف و تمجید می کند (رییس نیا، ۱۳۸۰، ۲۵). اختر با سالهای قبل فرق محسوس داشت، روزنامه از پرده دریاها و روشنگریها دست شسته و محافظه کارانه خبرهای داخلی امپراتوری عثمانی، پاره ای از خبرهای رسمی ایران یا ترجمه مطالب روزنامه های ترک و روس و انگلیس و فرانسوی را درباره کشورهای مسلمان به چاپ رسانده است.

به این ترتیب روزنامه اختر با توجه به زمان انتشار درکنار رویکرد متجددانه اش حافظ منافع حکومت ناصری نیز بود در واقع به دلیل مشی محافظه کارانه اش به خصوص در سالهای پایانی انتشار، نان را به نرخ روز می خورد.

این نشریه تا سال ۱۳۱۳ق/ ۱۸۹۵م اندکی پس از ترور ناصرالدین شاه در اثر فشار مقامات ایرانی، دولت عثمانی روزنامه اختر را در استانبول تعطیل می کند. و در پی آن سه تن از مبارزین ایرانی را

(میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی، خبیرالملک) به خاطر فعالیت سیاسی شان دستگیر به دولت ایران تحویل دادند که آنها نیز به طرز فجیعی در تبریز اعدام شدند.

روزنامه اختر و گفتمان های جدید

۱-گفتمان دولت آمر منور با الگوی بیسمارکی:

اختر نیز به دولتهای منتظم اشاره داشته و با توجه به تعریف ارائه شده در این پژوهش از حالات این گفتمان و در شماره هایی از کارگزاران انتظام گرا سخن می گوید. در تعریف دولت های منتظم و خواهان تنظیمات می نویسد: « بعضی از دول متمدنه یا ریاست کلیه هیات اجتماعیه را ریسا و مرؤسا به نام یک پادشاه صاحب قدرت و عظمتی خوانده و با آنکه وظایف سلطنت را مشروطاً در عهده او مقرر می شمارند او را بلا شرط حکمران مطلق در ملک و مملکت می دانند(اختر، ۱۲۹۳، س ۲، ش ۵۵، ۲۱۷). روزنامه اختر در شماره ای حتی به مقایسه وضع دولتهای فرنگستان در زمانی که دارای حکومتهای مطلقه بودند با دولتهای مشروطه و نیمه مشروطه و جمهوری می پردازد و نظم و آسایش و امنیت آن دوره در اروپا را مورد ستایش قرار می دهد(همان، ۱۲۹۴، س ۳، ش ۴۵، ۶۰۱).

از جمله درباریان آگاه و منورالفکر که به دنبال ایجاد تنظیمات با ویژگی های گفتمان آمرانه در ایران بود میرزا حسین خان سپهسالار می باشد. روزنامه اختر بارها به دلایل مختلف مجبور به تعطیلی می شد یکی از کسانی که به حمایت از آن برمی خاست همین میرزا حسین خان سپهسالار بود. بنابراین اختر در شماره ای به شرح حال و زندگی نامه سپهسالار می پردازد (همان، ۱۲۹۹، س ۸، ش ۹) و بارها در شماره های مختلف از عملکرد و دستاوردهای آن سخن می گوید و در مقابل بدگویی های جراید داخلی از مشیرالدوله ایستادگی کرده و در مقام دفاع از ایشان برآمده(همان، ۱۲۹۲، س ۱، ش ۸، ۳۵)

همچنین از ریاست مشیرالدوله به وزارت عدلیه خبر می دهد(همان، ۱۲۹۹، س ۸، ش ۳۶، ۲۶۶۱). در شماره ای دیگر می نویسد: «پادشاهان مظهر شاهی حق چون در ارکان و هیأت مجموعه دولتی و یا خود از شعبه های دولت در دیوان و محاکم دادخواهی این عدالت باشد برحسب نسبت آن

هیأت و شعبه عدالت را مظهرها و عبارتها آورده شود. که از جمله آنها دواوین عدلیه و عدالتخانه های منتظم است و این دیوانخانه ها اساساً برای اجرای مقاصد عالیه دولت تشکیل شده و مقصود اصلی از تاسیس و بنای آن ها به جزا اجرای احکام عدل و حقانیت و دادخواهی چیز دیگر نبوده است» (همان، ۱۳۰۰، س ۹، ش ۱۶، ۲۹۰۶). همچنین اصلاحات عدلیه عثمانی را یادآوری می کند و از قانون ملکی، قوانین مالی و امور مالیاتی، قانون اصول محاکمه، تدوین قوانین جدید نظامی، قانوننامه تجارت قانون جزا و قانون استنطاق عثمانی می نویسد. همچنین اختر قانون اداره عرفیه عثمانی را ترجمه کرده که در چهار فصل این قانون تنظیم شده اداره عرفیه عبارت است از مواقع حربیه و عسکریه مخصوص احوالی می باشد که در حالت جنگ و شورش اوضاعی ظاهر شود که امنیت داخله و خارجه را مختل سازد و کشور تحت اداره عرفیه قرار می گیرد اعلان کردن اداره عرفیه منحصر به شخص مقدس اعلی حضرت است که طبق ماده ۶ آن پس از آنکه اداره عرفیه در جایی اعلان شود احکام که از قانون اساسی و دیگر قوانین و و نظامات مادامیکه حکم آن باقی است موقتاً تعطیل می شود و طبق ماده ۱۹ در صورت تیکه لزومی برای آن باقی نمانده به موجب قرارداد مجلس وکلا با اراده سنیه فسخ و ابطال خواهد شد (همان، ۱۲۹۴، س ۳، ش ۲۸، ۴۶۸). روزنامه اختر با انتشار قوانین و تنظیمات کشور عثمانی نقش مهمی در آگاه نمودن مردم ایران ایفا نمود.

سپهسالار که برای آگاهی پادشاه از آثار تمدن و پیشرفت مغرب زمین ترتیب سفرهای شاه را به فرنگ می دهد در سفر اولش سعی به انعقاد قراردادی به نام رویترا دارد و قرار بود راه آهن که به قول اختر یکی از مظاهر پیشرفت و آبادانی ملک و مملکت است در ایران کشیده شود اما این امتیاز پیش از اجرا به دلیل مخالفت روس ها و اعتراضات داخلی توسط ناصرالدین شاه باطل شد رویترا بابت فسخ قرارداد به مدت ۱۷ سال پی گیر خسارت بود که سرانجام امتیاز بانک شاهنشاهی ایران را بدست آورد (همان، ۱۳۰۶، س ۱۵، ش ۲۲). در این زمان روزنامه های فرنگستان مطالبی در این خصوص می نوشتند که اختر به انتقاد از آنها بر می خیزد (همان، ۱۲۹۸، س ۷، ش ۵، ۲۰۲۲) همچنین زمانی که ناصرالدین شاه در سفرهای بعدیش به فرنگ با کمپانی های اروپا

برای ساخته شدن راه آهن ایران وارد مذاکره می شود اختر به انتقاد از مخالفین امتیاز رویترا پرداخته و می نویسد: «امیدواریم که این امتیاز به طور مطلوب داده شده و در اندک زمانی شروع به ساختن راه آهن بشود و محسنات و فوائد آن را دولت و اهالی ایران به چشم خود می بینند، در زمان بسیار کمی در معموری ملک و رفاه و ثروت و سامان مملکت تفاوت بسیار مشهود می شود و کسانیکه منکر راه آهن در ایران بودند خودشان به کمال خجلت اعتراف می کنند که چقدر قصور کرده اند و ظلم درباره وطن شده است که تا کنون عقب مانده اند چنانچه رییس جمهور فرانسه نخست به ساخته شدن راه آهن اعتراض سخت نمود ولی در ثانی که از فوائد و منافع آن آگاهی حاصل کرد از این اعتراض خود همواره اظهار انفعال و خجلت می کرد» (همان، ۱۲۹۹، س ۸، ش ۱۴، ۲۴۹۰)

نظامی گری که یکی دیگر از ویژگی های گفتمان دولت آمرانه است روزنامه اختر به آن پرداخته که آن را در فرایند نوسازی نظام و اصلاحات قشون به عنوان نمودی از تجدد خواهی ناصرالدین شاه نشان می دهد (همان، ۱۲۹۳، س ۲، ش ۲۶، ۱۰۳). همچنین روزنامه اختر تاریخچه ای از وضعیت عساکر ایران از دوره عباس میرزا، میرزاتقی خان امیرکبیر، سپهسالار ارائه می دهد و معتقد است انتظام عساکر هنگام وزارت سپهسالار اعظم با بالاترین درجه اش رسیده. اختر درجات نظامی در ایران را توضیح می دهد و عساکر ایران را به ده تومان منقسم می کند (همان، ۱۲۹۹، س ۸، ش ۵، ۲۴۱۸)

ایجاد دیوانسالاری از جمله ویژگی های دیگر گفتمان دولت آمرانه می باشد که مقاله نویسان اختر نیز به انتظام گمرکات در ایران و اداره پستخانه پرداخته اند (همان، ۱۲۹۶، س ۵، ش ۷، ۱۲۶۷)

در جریان تجددخواهی ناصرالدین شاه سفرهای فرنگ او قابل اهمیت است که اختر نیز به آن پرداخته است و خبر ورود اعلی حضرت پادشاه را در سیزدهم جمادی الاخر ۱۲۹۵ هـ ق به پاریس می دهد. اختر هدف پادشاه از سفرش به فرنگ را رسیدگی به آثار نافع دانسته و اخبار روزنامه فیگارو فرانسه در خصوص سفر ناصرالدین شاه برای بار دوم به فرنگستان را پوشش می دهد و می نویسد: «اعلی حضرت این سفر را برای حیرت افزایی نیامده اند بلکه به جهت اطلاعات

تشریف آورده اند این سیاحت اعلی حضرت برای تفنن و تفرج نیست به نیت اصلاح مملکت و خوش بخت کردن تبعه و اهالی خودشان سیاحت می فرمایند. اعلی حضرت پس از آنکه ژاندرمهای قراسورانرا تشکیل و پوست خانه و مکتبها و مدرسه ها ترتیب فرموده اند حالا مشغول راه انداختن راههای آهن و کارخانه های صابون سازی و شمع ریزی در ایران می باشند حتی برای تشکیل اینها پلانها و نقشه ها را ملاحظه فرموده به ارباب هنر و صنایع مخابرات می فرمایند» (همان، ۱۲۹۵، س ۴، ش ۲۶، ۱۰۲۶)

روزنامه اختر همچنین از سیاحت سوم ناصرالدین شاه از فرنگ پس از سه ماه و چند روز تعطیلیش اطلاع می دهد و گزارش می دهد که این سفر ناصرالدین شاه همانند سفر قبلی مشاهده ترقیات بدایع و صنایع اروپا است تا ممالک محروسه ایران را نیز از آن ترقیات بهره مند فرمایند (همان، ۱۳۰۶، س ۱۵، ش ۲۹، ۴۵۲۵). می توان گفت این موضوع از ارادت و علاقه مندی ناصرالدین شاه به نوع پادشاهی به شکل استبداد منور یا دولت مطلقه منظم نشأت گرفته است. این ادعا را می توان در جوابیه ریاست مجلس انگلستان در هنگام بازدید از کارخانجات مشهور که توسط ملکم خان ترجمه شد مشاهده نمود: «که از پادشاهان قطعه آسیا نخستین حکمرانی که به سیاحت این مملکت آمده است منم. لهذا خود را نیک بخت می پندارم. مقصود من از سیاحت فرنگستان معلوم است که به آرزوی اخذ اطلاعات از وضع معارف و صنایع اروپا اینهمه زحمت را بر خود هموار نموده ام» (همان، ۱۳۰۶، س ۱۵، ش ۳۳، ۴۵۵۴). همچنین ترقیات دولت ژاپن در آسیا موجب حیرت همه جهانیان بود و آثار تمدن و ترقی این کشور آسیایی بر کسی به خصوص ناصرالدین شاه هم پنهان نبود. اختر نیز به آن اشاره کرده است (همان، ۱۳۰۶، س ۱۵، ش ۳۲)

او با مشاهده نظم و قانونمندی و ترقیات فرنگ و مقایسه کشورش با اروپا پس از بازگشت از سفر سومش به ایران دستور نوشتن قانون می دهد شاه دولتمردان را جمع می کند و ضمن مقایسه اوضاع ایران با آنچه در سفر اخیرش به فرنگ دیده بود آنها را مامور نوشتن قواعد و قوانین دولتی می سازد.

قرار شد قوانین معموله سه دولت بزرگ عثمانی، آلمان، انگلیس فارسی ترجمه شد در ثانی از روی آنها قانون مضبوطی که موافق احکام دین و رسوم ملت باشد اخذ نموده و آنچه مغایر دیدند جرح و تعدیل و اصلاح کنند و به حضور همایونی تقدیم شود تا پس از تصدیق اراده پادشاه نسخ مطبوعه آن به تمامی ولایات فرستاده شود در امر مملکداری و حکومت دستورالعمل مرعی الاجرا گردد (همان، ۱۳۰۶، س ۱۶، ش ۱۴، ۴۷۲۵-۴۷۲۶). هر چند که این قانون به دست فراموشی سپرده شد و هیچ یک از وزرای عظام و همچنین ناصرالدین شاه آنرا پیگیری نکردند. اما تدوین کتابچه قانونی کنت به عنوان اولین رساله قانون پلیس در ایران مشتمل بر ۵۸ (همان، ۱۲۹۷، س ۶، ش ۶، ۷، ۸، ۹) فصل مبنی بر شرح وظایف پلیس تهران به فرمان ناصرالدین شاه تنظیم و تصویب لایحه تابعیت توسط وزارت امور خارجه جهت قانونمند کردن رفت و آمدهای اتباع خارجی به ایران و اتباع ایرانی به خارج از کشور در پانزده ماده عملی شد (همان، ۱۳۱۲، س ۲۱، ش ۱۱، ۶۸۵۶-۶۸۵۷).

روزنامه اختر با صراحت تمام از دستاوردهای سفرهای پادشاه به فرنگستان حمایت می کند و اعلی حضرت ناصرالدین شاه را فرمانروای ممالک ایران یکی از پادشاهان دانشمند بصیر و آگاه اسلام معرفی می کند

اختر به ایجاد تنظیمات و تجددخواهی ناصرالدین شاه همت می گمارد و در وصف ناصرالدین شاه در شماره های مختلف می نویسد که ایران هیچ وقت این چنین پادشاه مترقی نداشته (همان، ۱۳۰۷، س ۱۶، ش ۱۳، ۴۷۱۹). اختر همچنین زمانی که مقرر شد پایتخت طهران شبها با گاز روشن شود بنای چراغ گاز را یکی از آن اثرهای بسیار بزرگی می داند که در زمان سلطنت این پادشاه به یادگار مانده خواهد گردید (همان، ۱۲۹۹، س ۸، ش ۳، ۲۴۰۲).

بنابراین روزنامه اختر با آوردن تفصیلی از اوضاع و شرایط نظامی در ایران، تحسین وطن پرستی، تاسیس دیوانسالاری در ایران و اصلاحات و تنظیمات پادشاهی و کارگزاران اصلاح طلبش گفتمان دولت آمرانه یا استبداد منور را شرح داده است که به تفصیل، به آن پرداخته شد.

۲-گفتمان جمهوری با الگوی فرانسه:

پیشتر توضیح داده شد که گفتمان جمهوری دارای چه ویژگی هایی می باشد و بعد از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه با توجه به خواست افکار عمومی مردم کم کم نظام پادشاهی جای خود به تشکیل جمهوری داد. روزنامه اختر در شماره هایی اشکال و انواع نظام های سیاسی را تشریح می کند پس از تعریف دولتهای منتظم نظام جمهوری را به این شکل توضیح می دهد که بعضی دیگر نام پادشاهی برای آن چنان رییس نهاده و عظمت و قدرت او نیز محدود و وظایف او را معین و اسم او را رییس جمهوری می گذارند... جمهوری تنها نظامات قوانین را حاکم و مطاع دانسته رییس و اجزای دولت و عموم مامورین و رعیت را در نظرگاه قوانین به طور مساوات می داند. رییس جمهور جز اینکه وظایف رسمیه ریاست را ایفا می کند تکلیفی ندارد و رأی و مقاصد او را تاثیری آشکاری در کلیه و مطلق کارها نیست(همان، ۱۲۹۳، س ۲، ش ۵۵، ۲۱۷). اختر توضیح می دهد در نظام جمهوری انتخاب رییس جمهوری برحسب قانون هر چهار سال رییس جمهور با اکثریت آرای مردم انتخاب شده و به حکومتداری می پردازد. آنچه که در انتخاب رییس جمهور قابل توجه و مهم است و به عنوان یک قانون به مرحله اجرا در می آید گذشته از توجه به آرا و نظریات مردم رضایت مردم از عملکرد شخص رییس جمهوری است که اهالی به اکثریت از حرکات او راضی باشند دوباره تا چهار سال دیگر زمام حل و عقد جمهوری سپرده به کف کفایت او بشود وگرنه دیگری را موافق قوانین مرعیه مملکت به جای ایشان انتخاب نمایند(همان، ۱۳۰۶، س ۱۵، ش ۱۴، ۴۴۰۰). همچنین اشاره به مساوات و برابری از جمله ویژگی های مهم این گفتمان است که روزنامه اختر مساوات و برابری از جمله اساس های جمهوری دانسته(همان، ۱۲۹۴، س ۳، ش ۱۵، ۳۶۲).

در توضیح ویژگی های گفتمان جمهوری نفی سلطنت را یکی از مهمترین نشانه های گفتمان جمهوریت ذکر کرده. روزنامه اختر در مورد فرانسه که مبدأ جمهوری مدرن در تاریخ است معتقد است که مردمان فرانسوی بیشتر گرایش به جمهوریت دارند(همان، ۱۲۹۳، س ۲، ش ۱۴، ۵۴). اما در شرح نامه پاریس از شاه دوستی و شاهپرستی ایرانیان می گوید.(همان، ۱۳۰۴، س ۱۳، ش ۱۱).

بنابراین روزنامه اختر آنچنان با گفتمان جمهوریت قرابتی ندارد و اصلاً قصد پیکار با شخص اول مملکت یعنی براندازی پادشاهی ندارد و برعکس پادشاهی را مظهر ترقی، حافظ حیات و امنیت و شرف و ناموس ایشان می‌داند و جمیع محسنات صوری و معنوی در وجود ایشان جمع است. و معتقد است که اگر قانون بزرگ در ایران معمول نبوده مقصر پادشاهی نیست بلکه وزرا و کارگزاران دولتی می‌بینیم به جهت انتظام دولت مشورتها می‌کنند و چندین جلد کتاب می‌نویسند که فلان نظم را گذاشته ایم اما چه فایده که جزو نصحیت و آزمی بی حاصل است. (همان، ۱۲۹۶، س ۵، ش ۴۱، ۱۵۳۶)

بنابراین گفتمان جمهوری با محوریت چالش با سلطنت و مبارزه برای براندازی پادشاهی وجود ندارد و اختر که بعد از آن روزنامه قانون از آن الگو برداری نمود سعی در مشروطه کردن سلطنت و ایجاد قانون اساسی در کشور را داشت و مشخصاً قصد پیکار با مسئله سلطنت با کلیت گفتمان جمهوری در آن دیده نمی‌شود.

۳- گفتمان مشروطه با الگوی انگلیس:

نقش روزنامه اختر در پرداختن به گفتمان قانون و توسعه و گسترش اندیشه قانون خواهی نسبت به گفتمان های دیگر بسیار پررنگ تر است.

حکومت مبتنی بر قانون سالها قبل از انتشار روزنامه اختر توسط نخبگان مطرح گردیده بود لیکن برای اولین بار توسط روزنامه اختر مقالاتی درباره قانون و فواید آن منتشر شد و جنبه های مختلف قانون و اجزای آن و همچنین مقایسه قوانین اروپایی با قوانین اسلامی جهت آگاهی مردم منتشر گردید.

روزنامه اختر قبل از هر مسئله ای به این نکته اشاره می کند که: «قانون برای انسان یک ضرورت است زیرا انسان مدنی بالطبع است. اخلاق نیک انسانها را طبیعی است مدنیت با اخلاق نیک از طبیعت اصلیه جدا نیست. کفالت سعادت و نیکبختی شما را این قانون و آداب تواند کرد و هر مکروهی و ناملایمی را این شرایع و ناموس ها از شما متدفع تواند ساخت» (همان، ۱۲۹۳، س ۲، ش ۱۷، ۶۵).

اختر از مستشارالدوله تبریزی یکی از روشنفکران گفتمان مشروطه نیز مقالاتی به چاپ رسانیده و همچنین به بیان و تشریح اصول نوزده گانه ترجمه قانون اساسی فرانسه در کتاب «یک کلمه» می پردازد.

اختر بر اساس نوزده اصل مستشارالدوله نوع نظام مشروطه پادشاهی را معرفی میکند و پس از توضیح اصول نوزده گانه مستشارالدوله (مسائل مهمی مانند مساوات در محاکمه و اجرای حکم قانون، آزادی فردی، آزادی بیان و افکار بر اساس حکم قانون، توجه به تفکیک قوا، آزادی کار و تجارت که همگی بر اساس شریعت اسلام باشد)، تاکید می کند که «صاحب رساله معزی الیه تفضیلی از هر کدام از این فقرات نوشته و از آیات و اخبار نیز گواه آورده اند که همه اینها به فرموده است و اساسا خارج از قانون اسلام نیست (همان، ۱۲۹۳، س ۲، ش ۵۸، ۲۲۹).

بنابراین روزنامه اختر نشریه بود که درد بی قانونی ایران را از زبان مستشارالدوله چاپ می کند هر چند که به دلیل ترس از شکایت و تعطیلی ناگزیر عذرخواهی می کند (همان، ۱۲۹۹، س ۸، ش ۴۲) یکی از مسائل مهم نظارت و چگونگی نظارت بر قوانین است روزنامه اختر آنرا به عهده ملتها و دولتها می گذارد، همچنین یکی دیگر از ابزارهای نظارت بر قوانین را مطبوعات می داند. (همان، ۱۲۹۵، س ۴، ش ۳۰، ۱۰۴۷)

نویسندگان روشنفکر اختر توضیح می دهند که «نوع بشر را بقا و دوام سعادت و نیکبختی و امنیت و آسودگی و رفاه حال و انتظام کلیات امور منحصر به قوانین و نظامات است و اتباع و احترام حافظان قوانین و نظامات. بنابراین جمعیتها و وطن ها را مسعود و خوشبخت نخواهد شد مگر به اتباع قوانین (همان، ۱۲۹۳، س ۲، ش ۴۴، ۱۷۳)

روزنامه اختر برای نشان دادن اعتبار و ارزش قانون به ترجمه فارسی قانون اساسی ۱۱۹ ماده ای مشروطیت اول عثمانی در اوایل سال ۱۲۹۴ می پردازد و در مقالات متعدد پیرامون قانون اساسی در عثمانی همچنین در مورد اهمیت قانون اساسی نوشته است (همان، ۱۲۹۴، س ۳، ش ۴، ۲۷۰) از جمله نتایج قانون اساسی که مدار ترقیات ملک و ملت و وطن است این که به موجب ماده هفتم قانون اساسی می گوید همه تبعه عثمانی به جز در احوال مذهبی در حقوق و وظایف مساوی می

باشند(همان، ۱۲۹۴، س ۳، ش ۳، ۲۶۵). همچنین در ماده هفدهم همه عثمانیان در حضور قانون در حقوق و وظائف مملکت به غیر از اطوال دینیه و مذهبییه مساوات و برابری دارند (همان، ۱۲۹۴، س ۳، ش ۴، ۲۷۱)

اختر اساس قانون و همچنین قانون اساسی را بر حریت و آزادی بنا گذاشته همچنین آزادی را اسباب حفظ حقوق میدانند و آزادی را از موجبات نیک بختی اقوام می شمرد (همان، ۱۲۹۴ ه.ق: س ۳، ش ۱۴، ۳۵۳۵)

روزنامه اختر هرگاه ضرورت مقایسه بین قوانین اروپایی و اسلام مطرح می شود، نظر اختر در برتری قوانین اسلام نسبت به قوانین کشورهای اروپایی است: «قوانین اروپا هر قدر ترقی نماید چون دقت نماییم جهات نقصان در آنها بیشتر ظاهر می شود و هر قدر کامل تر می کنند معایب بسیار بر آنها از جهات دیگر مترتب می گردد و با آنکه از انسانیت و تمام مدنیت لاف می زنند و شریعت اسلام را هم می خواهند پسند نمایند چون درست می بینیم و انصاف را حکم می کنیم معلوم می شود که قوانین اسلام بهترین قانون هاست و به انسانیت هم لایق تر است»(همان، ۱۲۹۶، س ۵، ش ۳۱، ۱۴۵۳).

روزنامه اختر به طور کلی هدف مهم و اساسی از تدوین و اجرای قانون نیز این مسئله می داند که «قانون به طور مساوی در مورد همه افراد به مرحله اجرا درآید، لهذا همه کس مجبور به رعایت احکام آنها هستند(همان، ۱۳۰۶، س ۱۵، ش ۳، ۴۳۱۲).

کلیت جهان بینی روزنامه اختر از انتشار این مقالات آگاهی مردم ممالک مشرق زمین به خصوص ایران است تا از منافع و مزایای قانون در کشورهای دیگر آشنا شوند و معتقد است برای رسیدن به این درجه از ترقی آنچه لازم داریم علم و اطلاع است زیرا که علم و اطلاع کافل تمامی سعادت‌هاست و دانش و آگاهی ضامن هر گونه نیک بختی و نیک نامی ست... بنابراین تنها راه حل این است که علم و ادب آموزیم اطلاعات از وضع جهان و از انتسابات و روابط خودمان در حال حاضر و زمان آینده که اکنون خیلی به سرعت می آید حاصل کرده مبنای تکلیف خودمان را بفهمیم»(همان، ۱۲۹۲، س ۱، ش ۱۰، ۳۷)

بنابراین روزنامه اختر به مطلوب عقیده دارد که اگر قانون در هر مملکتی با نیازهای داخلی و خارجی همراه باشد و ضمناً حمایت و پشتیبانی عموم مردم را نیز به دنبال داشته باشد می تواند موجبات توسعه و پیشرفت کشور شود و مانع از توسعه نفوذ بیگانگان در امور داخلی و خارجی کشور شود. و در جواب هشدار عده ای که سخن گفتن از قوانین برای ایرانیان زود میدانند می نویسد: « مگر در کشورهای که قانون دایراست مردمشان از مادر خود قانون شناس متولد شده اند و یا مگر اهل ایران از اهالی ترکستان بی فهم و ادراک تر هستند و یا اینکه از آسمان فرود آمده کدام مملکت که در آنجا قانون گذاشتند همه چیز تمام بود؟ بلکه صدمرتبه بیشتر از ما دوری از قانون می جستند ولی به مرور زمان از محسنات آن آگاهی یافته همت به تعلیم و تعلم آن گماشتند» (همان، ۱۳۰۸، س ۱۷، ش ۱۰، ۵۰۹۲-۵۰۹۳). توصیه اخترنویسان برای ترقی و شکوه دولت علیه ایران وضع قانون است. (همان، ۱۲۹۶، س ۵، ش ۴۰، ۱۵۲۶-۱۵۲۷).

در نهایت روزنامه اختر معتقد است قانون در جامعه یعنی: «تامین امنیت و برقراری نظم و همچنین حفظ جان و ناموس مردم و مراقب آنهاست زیرا اگر قانون وجود نداشته باشد جان و مال و ناموس مردم در معرض خطر قرار می گیرد» (همان، ۱۲۹۳، س ۲، ش ۴۴، ۱۷۳) ۴- گفتمان دینی یا خلافت اسلامی:

یکی دیگر از گفتمان های قابل بحث در روزنامه اختر گفتمان اتحاد اسلام یا تشکیل خلافت اسلامی است. نشریه اختر بارها در شماره های مختلف به موضوع اتحاد اسلام و مسلمین پرداخته و آن را نیز راه نجات مسلمانان در برابر استعمار بیگانگان می داند. همانطور که پیشتر گفته شد بحث اتحاد اسلام به خصوص اتحاد دو کشور مسلمان ایران و عثمانی از زمان نادرشاه پا گرفته است که فراز و فرودهایی داشته و روزنامه اختر نیز به آن پرداخته است (همان، ۱۲۹۵، س ۴، ش ۳۳، ۱۰۶۹)

اختر می نویسد: «قوت به اتفاق و اتحاد حاصل می شود ضعف و سستی از نفاق و اختلاف برخیزد. و از آنجاییکه نگاه بدبینانه ای نسبت به مقاصد دولتهای بزرگ غربی دارد می نویسد مقصود ما از فرنگستان که می گوئیم می خواهند ممالک شرقیه را تصرف کنند این سه دولت

بزرگ روس، انگلیس و فرانسه و یقین باید کرد که این اصلاحات را که می گویند به عمل نیامد بهانه بزرگی بدست آورده به آشکاری بنای تقسیم در ممالک عثمانیه گذارند. ماها که اهالی و تبعه دول اسلامیه هستیم به کمال غفلت و خجالت نشسته به جای آنکه در خیال چاره جویی این کارها باشیم و سدی در راه این سیل بزرگ ببندیم و به اتفاق و اتحاد ظاهریه و معنویه به کمال استقامت ایستاده باطل السحر آنها شویم همگی به حرکات تفرقه انگیز خودمان روز به روز افزوده هیچ از اتحاد و ملزومات وطن داری و حفظ ملیت به خاطر نیاورده» (همان، ۱۲۹۵، س ۴، ش ۴۱، ۱۱۳۱).

نویسندگان اختر در شماره ای دیگر می نویسند: «اروپ فرنگستان به عدالت ساخته و روز به روز ترقی دارد. اسلامیان به علت پراکندگی اجزا و رعایت نکردن به شرایط عدل و داد و متفرق شدن در جاده دیانت خودشان و به علت ترک نمودن حقایق آداب اسلامیت و نامتناسب بودن دیانت و مسلک و آداب مذهبیہ ایشان با وضع اروپ از اینجا رانده از آنجا مانده اند با تمجید به آواز بلند بر جمله مسلمانان و عامه مشرق زمین می شنویم که اگر سعادت و نیک بختی شما را لازم است باید از کارهای گذشته عبرتی بگیرید و آینده را خطرناک دیده اتفاقی بکنید ابنای وطن اسلامی را به زیر بیرق اتحاد بیاورد» (همان، ۱۲۹۶، س ۵، ش ۳۵، ۱۴۸۵).

اختر همچنین در چندین شماره اش در باب استیلا مصر از جانب لشکر انگلیس خبر می دهد و گزارش می دهد. (همان، ۱۸۸۲/۱۲۹۹، س ۸، ش ۴۵، ۴۶، ۴۷)

روزنامه اختر که به شدت از اتحاد اسلام و تشکیل خلافت اسلامی حمایت می کند ناامیدانه می نویسد «اعتقاد عموم دانشمندان اسلام این است که هرگاه تکلیف نادرشاه افشار یکصدو شصت و چند سال پیشتر از جانب اولیای دولت علیه عثمانی پس از آنهمه موافقتهای خالصانه ایرانیان پذیرفته شده بود هر آینه کوههای آهنین امروز در مقابل اسلامیان چون کاه می نمود. افسوس که اکنون از ذکر انجمنی به جز اینکه نمکی تازه بر جراحت قلوب غیرتمندان اسلام پاشیده شود فایده بر احوال ایشان مترتب نتواند شد مگر اینکه از گذشته عبرت گیرند و از کردار نیاکان در این باب دوری جویند و درصدد اصلاح حال برآیند» (همان، ۱۳۰۶، س ۱۵، ش ۱۵، ۴۴۰۹)

اما وقتی سخن از مهمترین نظریه پرداز امت اسلامی در جهان اسلام یعنی سیدجمال الدین اسدآبادی می شود نظر روزنامه اختر متفاوت است. روزنامه اختر در قلمرو عثمانی و مناسباتش با سفارت ایران در استانبول به مباحثی درباره وابستگی اش دامن زده است: حملات اختر در سال ۱۳۰۹ هـ ق به سیدجمال. روزنامه اختر. رحیم رییس نیا معتقد است که اسناد موجود حاکی از آن است که انتشار مجدد اختر با عزیمت سیدجمال به لندن پس از اخراجش از ایران در اواخر جمادی الاول ۱۳۰۸ و شدت گیری فعالیتهای تبلیغاتی اپوزیسیون خارج از کشور به رهبری وی و ملکم [در لندن] مرتبط است. (رییس نیا، ۱۳۸۰، ۲۴). همچنین نامه ای از ناظم الدوله در دست است که پس از جلب رضایت محمدطاهر تبریزی به همکاری، در سال ۱۳۰۹ هـ ق به تهران نوشته امین السلطان وزیراعظم این نامه را که پس از تشریح عدم استطاعت مالی آقا محمدطاهر، متذکر گردیده بود که: «سزاوار شأن دولت علیه نیست که اختر مجددا غروب نماید و در پرده خفا بماند خاصه اینکه در مقابل روزنامه های عثمانی آلت حرب و سلاح است» به شاه عرضه شد و وی در حاشیه آن چنان دستور داد: «البته هر نوع امداد به این روزنامه بکنید جا دارد و خرج صحیح است به خصوص در رد و قدح شیخ جمال الدین و این نوع کتابچه های عربی او باید بنویسند و منتشر کنند خیلی لازم است». (خان ملک ساسانی، بی تا، ۲۰۵-۲۰۷). بنابراین آقامحمدطاهر که خود را فروخته بود بنابر دستورالعمل فوق العاده ای مقاله ای تحت عنوان «شیطان در لباس انسان» تهیه کرده و ضمیمه و پیوست شماره ۱۶ (۲۷ جمادی الاول) سال ۱۳۰۹ هـ ق اختر منتشر می سازد. (مهدوی، افشار، ۱۳۴۲، ۱۴۴-۱۴۵)

موضع گیری اختر بر ضد سیدجمال بیش از چند ماه طول نمی کشد و با آمدن سید به استانبول در سال ۱۳۱۰ هـ ق به دعوت عبدالحمید به منظور اتحاد اسلام و حسن پذیرش او در کاخ ییلدیز طاهری تبریزی را وادار به تغییر موضع نمود و حتی میرزا مهدی اختر سردبیر روزنامه اختر در ردیف اصحاب سید قرار گرفت. (محیط طباطبایی، ۱۳۷۰، ۱۳۰).

اختر در انتقاد از روزنامه منطبع وین که در باب اصل و نسب شیخ از قول مسیو وامبری از سیاحان آسیای میانه که نقل کرده بود شیخ جمال الدین از صلب پدر افغان و از بطن مادری عرب

تولد یافته در جواب می نویسد که شیخ جمال الدین ایرانی و از اهل همدان است مقدمات علوم را در ایران تحصیل نموده بعد از آن به استانبول آمده و خود را شیخ افغان اشتهار داده و اینکه مسیو وامبری او را کابلی و عرب می داند از عدم آگاهی است. اختر همچنین می نویسد: «شیخ جمال الدین کسی است که در هندوستان خیلی مرید دارد و می خواهد مسلمانان را بر ضد انگلستان تشویق به شورش نماید این همه از قبیل اوهام و اراجیف است که روسها در مقام تهدید دولت انگلیس متمسک به انتشار توهمات شده اند احتمال کلی می رود که خود شیخ هم اینگونه دعاوی را نداشته باشد» (همان، ۱۳۰۴، س ۱۳، ش ۴۴، ۳۸۳۱).

نتیجه گیری

اعزام دانشجو به خارج، ورود مستشاران، پزشکان، مقامات خارجی و سفرهای شاه به فرنگ همه زمینه را برای موضوع تجدد و مفاهیم و ارزشهای سیاسی جدید فراهم آورد. به طوری که ظهور گفتمان های نو در کنار گفتمان های سنتی اجتناب ناپذیر بود، اما شرایط خفقان و وجود سانسور شدید در فضای سیاسی و اجتماعی جامعه باعث شد که روشنفکران و آزادیخواهان ایرانی ناراضی باشند و عده قابل توجهی از آنان به کشورهای اروپا و هندوستان و عثمانی مهاجرت کنند و هسته روزنامه نگاری تبعیدی را به وجود آورند. روزنامه هایی که در خارج از کشور چاپ می شدند از جمله «روزنامه اختر» تاثیر زیادی بر افکار عمومی داشته آنها مطالبی را چاپ می کردند که جراید داخلی جرأت ابراز آن را نداشتند. در واقع این روزنامه ها نماینده چهار گفتمان جدید (تنظیمات، جمهوری، مشروطه خواه و اتحاد اسلام) بودند این مطبوعات حکومت قاجار و گفتمان مسلط آن یعنی گفتمان استبداد سنتی را مورد انتقاد قرار دادند. اما در مورد موضع روزنامه اختر باید گفت که این روزنامه هم محافظه کارانه است و هم روشنگرانه همچنان که با مقالات روشنگرایانه اش به نقد و بررسی کارگزاران دولت می پردازد، به مدح و ستایش پادشاه و سیستم ناصری نیز پرداخته و در قالب گفتمان دولت مقتدر با (الگوی بیسمارکی) به ارزیابی عملکرد پادشاه و کارگزارانش توجه ویژه داشته است، این روزنامه به دلیل سیاست های مصلحت جویانه اش به خصوص در سالهای پایانی انتشارش نسبت به گفتمان های جمهوریت موضع منفعلانه داشته چرا که سیاست روزنامه بیشتر در حول دفاع و حمایت از شخص اول مملکت بود و همچنین نسبت به گفتمان اتحاد اسلام گاهی به دلیل چالشی که با سیدجمال دارد نگاهی مغرضانه دارد که البته موقتی است، اما به نظر نگارنده مهم ترین رسالت روزنامه اختر در گفتمان مشروطه خواه خلاصه می شود اختر توانست با اطلاع رسانی از مزایا و منافع قانون و ضرورت ایجاد قانون در جامعه باعث آگاهی و بیداری ایرانیان گردد و موجب اشاعه قانون خواهی شود هرچند که جامعه ایران به دلایل مختلف قانونمند نشد ولی نتیجه مهمی که حاصل شد آگاهی و بیداری ایرانیان بود.

منابع و مآخذ

کتابها:

- ۱- آشوری، داریوش، «نظریه غربزدگی و بحران تفکر در ایران»، ایران نامه، سال هفتم، ش ۲، بهار ۱۳۶۸
- ۲- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، چهل سال تاریخ ایران دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، المآثر و الآثار، ج ۳، ۱۳۶۳، به کوشش ایرج افشار، اساطیر، چ اول
- ۳- بروجردی، مهرداد، روشنفکران ایرانی و غرب- ۱۳۸۴، ج ۴، ترجمه جمشید شیرازی، تهران-نشر فروزان
- ۴- بهنام، جمشید، ایرانیان و اندیشه تجدد، ۱۳۷۵، تهران، نشر فروزان روز، چ اول
- ۵- پولاک، یاکوب ادوارد، سفرنامه پولاک ایران و ایرانیان، ۱۳۶۱، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی
- ۶- پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان (پیدایش)، ۱۳۷۷، ج اول، تهران، نشر دانشگاهی، چ اول
- ۷- پوچی، جان فرانکو، تکوین دولت مدرن، ۱۳۷۷، مترجم بهزاد باشی، تهران، نشر آگاه
- ۸- تاجیک، محمدرضا، گفتمان و پادگفتمان و سیاست، ۱۳۷۷، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- ۹- خان ملک ساسانی، احمد، سیاستگزاران دوره قاجار، بی تا، بی جا، هدایت
- ۱۰- دهقان، ابوالحسن، ماگناکارتا یا منشور کبیر، ۱۳۴۵، تهران، دانشگاه پهلوی (سازمان چاپ و انتشارات کیهان)
- ۱۱- دولت آبادی، یحیی، حیات یحیی، ۱۳۷۱، دوجلد، عطار، چ ششم
- ۱۲- رییس نیا، رحیم، «اختر و مقدمه آن»، نشریه جهان کتاب، اسفند ۱۳۸۰، فروردین ۱۳۸۱، ش ۱۴۱-۱۴۴
- ۱۳- سرجان ملکم، تاریخ ایران بی تا، ترجمه میرزا حیرت، تهران، سعدی، چ دوم

- ۱۴- صالحی، نصراله، «موانع اصلاحات سیاسی در ایران عصر ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق)»، اطلاعات سیاسی اقتصادی ش ۱۲۹-۱۳۰، خرداد و تیر ۱۳۷۷
- ۱۵- صدرهاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ۱۳۶۳، ج ۱ و ۲، اصفهان، کمال، چ دوم
- ۱۶- عضدانلو، حمید، گفتمان و جامعه، ۱۳۹۱، تهران، نشر نی، چ دوم
- ۱۷- فونتانا، بیانکاماریا، ابداع جمهوری مدرن، ۱۳۸۰، ترجمه محمدعلی موسوی فریدنی، تهران، نشر شیرازه، چ اول
- ۱۸- قاسمی، فرید، سرگذشت مطبوعات ایران روزگار محمدشاه و ناصرالدین شاه، ۱۳۸۰، ج ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول
- ۱۹- میرزاملکم خان، مجموعه آثار میرزاملکم خان، بی تا، تدوین و تنظیم استاد محیط طباطبایی، تهران، علمی
- ۲۰- میرموسوی، سیدعلی، اسلام سنت دولت مدرن، ۱۳۸۴، تهران- نشر نی، چ اول
- ۲۱- محیط طباطبایی، محمد، سیدجمال الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، ۱۳۷۰، به کوشش و مقدمه سیدهادی خسروشاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ اول
- ۲۲- مهدوی اصغر، افشار، ایرج، مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده درباره سیدجمال الدین اسدآبادی (مشهور به افغانی)، ۱۳۴۲، تهران، دانشگاه تهران
- ۲۳- کهن، گوئل، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران (از ۱۲۵۳ هـ ق تا صدور فرمان مشروطیت)، ۱۳۶۰، ج ۱، تهران، آگاه، چ اول
- ۲۴- همایون کاتوزیان، محمدعلی، تضاد دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ۱۳۸۰، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشرنی

روزنامه ها:

- ۱- روزنامه عروه الوثقی، بی تا، ترجمه زین العابدین، کاظمی خلخالی، (مقالات)
- ۲- روزنامه قانون، ۱۳۰۷، ش ۳
- ۳- روزنامه اختر، ۱۲۹۲، س ۱، ش ۸
- روزنامه اختر، ۱۲۹۲، س ۱، ش ۱۰
- روزنامه اختر، ۱۲۹۳، س ۲، ش ۱۴
- روزنامه اختر، ۱۲۹۳، س ۲، ش ۱۷
- روزنامه اختر، ۱۲۹۳، س ۲، ش ۲۶
- روزنامه اختر، ۱۲۹۳، س ۲، ش ۴۴
- روزنامه اختر، ۱۲۹۳، س ۲، ش ۵۵
- روزنامه اختر، ۱۲۹۳، س ۲، ش ۵۸
- روزنامه اختر، ۱۲۹۴، س ۳، ش ۳
- روزنامه اختر، ۱۲۹۴، س ۳، ش ۴
- روزنامه اختر، ۱۲۹۴، س ۳، ش ۱۴
- روزنامه اختر، ۱۲۹۴، س ۳، ش ۱۵
- روزنامه اختر، ۱۲۹۴، س ۳، ش ۲۸
- روزنامه اختر، ۱۲۹۴، س ۳، ش ۴۵
- روزنامه اختر، ۱۲۹۵، س ۴، ش ۲۶
- روزنامه اختر، ۱۲۹۵، س ۴، ش ۳۰
- روزنامه اختر، ۱۲۹۵، س ۴، ش ۳۳
- روزنامه اختر، ۱۲۹۶، س ۵، ش ۷
- روزنامه اختر، ۱۲۹۶، س ۵، ش ۳۱
- روزنامه اختر، ۱۲۹۶، س ۵، ش ۳۵

- روزنامه اختر، ۱۲۹۶، س ۵، ش ۴۰
- روزنامه اختر، ۱۲۹۶، س ۵، ش ۴۱
- روزنامه اختر، ۱۲۹۷، س ۶، ش ۶
- روزنامه اختر، ۱۲۹۹، س ۸، ش ۳
- روزنامه اختر، ۱۲۹۸، س ۷، ش ۵
- روزنامه اختر، ۱۲۹۹، س ۸، ش ۵
- روزنامه اختر، ۱۲۹۹، س ۸، ش ۹
- روزنامه اختر، ۱۲۹۹، س ۸، ش ۱۴
- روزنامه اختر، ۱۲۹۹، س ۸، ش ۳۶
- روزنامه اختر، ۱۲۹۹، س ۸، ش ۴۲
- روزنامه اختر، ۱۲۹۹، س ۸، ش ۴۵
- روزنامه اختر، ۱۲۹۹، س ۸، ش ۴۶
- روزنامه اختر، ۱۲۹۹، س ۸، ش ۴۷
- روزنامه اختر، ۱۳۰۰، س ۹، ش ۹
- روزنامه اختر، ۱۳۰۴، س ۱۳، ش ۱۱
- روزنامه اختر، ۱۳۰۴، س ۱۳، ش ۴۴
- روزنامه اختر، ۱۳۰۶، س ۱۵، ش ۳
- روزنامه اختر، ۱۳۰۶، س ۱۵، ش ۱۴
- روزنامه اختر، ۱۳۰۶، س ۱۵، ش ۱۵
- روزنامه اختر، ۱۳۰۶، س ۱۵، ش ۲۲
- روزنامه اختر، ۱۳۰۶، س ۱۵، ش ۲۹
- روزنامه اختر، ۱۳۰۶، س ۱۵، ش ۳۲
- روزنامه اختر، ۱۳۰۶، س ۱۵، ش ۳۳

روزنامه اختر، ۱۳۰۷، س ۱۶، ش ۱۳

روزنامه اختر، ۱۳۰۷، س ۱۶، ش ۱۴

روزنامه اختر، ۱۳۰۸، س ۱۷، ش ۱۰

روزنامه اختر، ۱۳۰۹، س ۱۸، ش ۱

روزنامه اختر، ۱۳۱۲، س ۲۱، ش ۱۱

